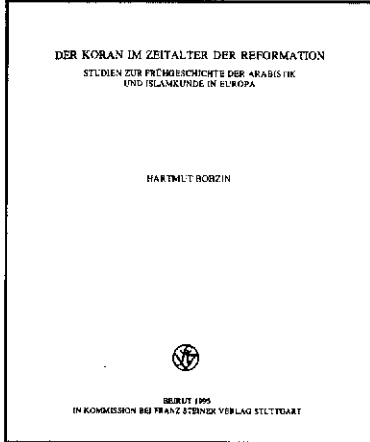


قرآن در عصر اصلاحات (رنسانس): مطالعه‌ای درباره اسلام‌شناسی در اروپا

محمد کاظم رحمتی

- Hartmut Bobzin
- Der koran im Zeitalter der Reformation: Studien zur Frühgeschichte der Arabistik und Islamkunde in Europe (Beiruter Texte und Studien, Bd.42)
- xiv + 598pp.
- Beirut, 1995.
- ISBN: 03-515-05365-4



مقدمه

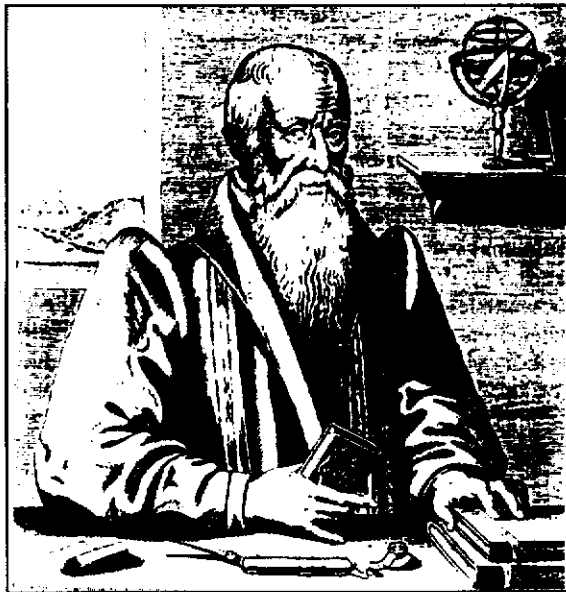
در ۱۵۴۲ دو محقق سوییسی با وجود اختلاف با شورای شهر بازل (Basel) اقدام به چاپ مجموعه‌ای کردند که بعدها به مجموعه طلبطله مشهور شد. این دو محقق یکی به نام تئودر بوخمان (بیبیلیاندر) ^۱ جانشین الریخ تسوینگلی ^۲ در شهر زوریخ، و دیگری یوهان هربست (اوپرنیوس) ^۳، یکی از ناشران مشهور و بزرگ شهر بازل بود که اقدام به چاپ مجموعه‌ای همراه با ترجمه لاتینی قرآن کرد. کار اصلاح و بازنگری برعهده بیبیلیاندر بود. وی گرچه دانش کمی در این زمینه داشت، اما با علاقه و شوق به تصحیح این مجموعه پرداخت. ^۴

اوپرنیوس که از دوستان بیبیلیاندر بود، عهده‌دار چاپ کتاب شد. در راه چاپ کتاب، مشکلاتی وجود داشت. شش سال قبل، شورای شهر بازل مانع چاپ تلمود، به بهانه بدعت‌آمیز بودن آن شده بود. از این رو، اوپرنیوس، بدون اطلاع شورای شهر، به چاپ کتاب مشغول شد به امید آن که شورای شهر را در مقابل کار انجام شده، قرار دهد. ولی شورای شهر از ماجرای چاپ کتاب باخبر شد و کتاب را مصادره کرد و چند روزی اوپرنیوس به زندان افتاد.

این ایام، مصادف با حملات سلطان سلیمان قانونی (متوفی ۹۷۴) به اروپا و محاصره وین بود. خطر ترکان، سایه ترس بر تمام اروپا افکنده بود و عاملی مهم برای تحریک اذهان و هیجان عمومی بر ضد هر اقدامی بود که سایه حمایت از ترکان را داشت. از سوی دیگر منازعات میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها، فضایی را مهیا کرده بود که امکان چاپ چنین متونی را میسر می‌کرد. گرچه اصلاح‌گرانی چون اراسموس (Erasmus) نیز در حمایت از چاپ این مجموعه مردد بودند. با درمیانی مارتین لوتر و نوشتن نامه‌ای در مجاز بودن چاپ این کتاب به شورای شهر بازل در ۲ دسامبر ۱۵۴۳، مشکل را حل نمود. کتاب که مجموعه‌ای از متون مختلف، همراه با ترجمه لاتینی قرآن بود، در ۱۱ ژانویه ۱۵۴۳ از چاپ درآمد. و خود سرآغازی شد برای ترجمه قرآن به دیگر زبان‌های اروپایی.

این مطلب یکی از نکات خواندنی کتاب آقای هارتموت بویتسین با عنوان «قرآن در عصر اصلاحات» است که در ادامه به معرفی بیشتر این کتاب و محتوای آن خواهیم پرداخت.

مجموعه‌ای از احادیث اسلامی و اغلب اسرائیلیات است. فرد عرب زبانی که مشاوره خانم دلورنی را برعهده داشته، نتوانسته، کتاب اصلی را که این احادیث از آنها اخذ شده، شناسایی کند.^{۱۲} از دلایل اصلی در عدم شناخت این مجموعه، حذف اسناد احادیث است. روبرت کتونی که این مجموعه را ترجمه کرده، اسناد روایات را به بهانه آن که برای خوانندگان لاتینی و مسیحی مفهومی ندارد، حذف کرده است.



۲. کتاب نسب رسول الله (ص).^{۱۳} این کتاب همانند مجموعه قبلی، حاوی افسانه‌های یهودی - اسلامی درباره حیات و زندگی ابرار و پیامبران است که مؤلف زندگی پیامبر را در آینه شرح احوال آنها آورده است. این بخش ترجمه‌ای است از متن عربی به نام کتاب نسب رسول الله (ص) که حداقل دو نسخه خطی از آن در کتابخانه‌ای در اسپانیا باقی مانده است.^{۱۴} این مجموعه را هرمان کارینتیا دلاماتا ترجمه کرده است.

۳. مسائل عبدالله بن سلام.^{۱۵} مجموعه پرسش‌هایی است که عبدالله بن سلام یهودی از پیامبر پرسیده است. نسخه‌های خطی عربی این کتاب فراوان است که گاه با عنوان‌های دیگری نیز فهرست شده است.^{۱۶}

۴. قرآن. مترجم این بخش رابرت کتونی است. احتمالاً رابرت کتونی قبل از اقامت در بارسلونا در ژوئیه ۱۱۳۶ برای مطالعه آثار افلاطون به شهر Tivoli سفر کرده است. وی اغلب در منابع به دلیل خطا در تلفظ نام وی Robert of Chester و گاهی Reading Robert of نام برده شده است. در قدیمی‌ترین نسخه خطی موجود

نخستین ترجمه لاتینی قرآن

سقوط طلیطله و فتح مجدد آن از سوی مسیحیان در ۱۰۸۵، آغازی برای ترجمه قرآن به لاتین بود. علت این امر، وجود فضایی در اندلس بود که امکان چنین کاری را فراهم می‌کرد. نهضت ترجمه متون علمی - فلسفی از عربی به لاتینی با حرارت آغاز شده بود و اندلس یکی از مراکز مهم در ترجمه متون به لاتینی بود و افرادی که آشنایی با عربی داشتند، با کار پرونونق ترجمه، زندگی خود را می‌گذراندند.^{۱۷} در این زمان راهب اعظم دیر کلونی، پیتر جلیل (متوفی ۱۱۵۶ م) سفری به اندلس کرد و باتوجه به قلت متون اسلامی به زبان لاتینی، به فکر ترجمه قرآن برای نگارش رده‌هایی بر ضد اسلام افتاد.^{۱۸} این زمان مصادف با دومین دوره جنگ‌های صلیبی (۱۰۹۲-۱۱۵۶ م) بود. روند دیگری که در اندلس آغاز شده بود، تلاش برای مسیحی کردن مسلمانان بود که چنین متونی، به گمان آباء کلیسا برای این کار مفید می‌نمود.

پیتر جلیل با فردی به نام پیتر طلیطله‌ای آشنا شد. وی یکی از مترجمان متون عربی به لاتینی بود. به درخواست پیتر جلیل، وی کتاب رساله عبدالله بن اسماعیل الهاشمی الی عبدالملک بن اسحاق الکندی و رساله الکندی الی الهاشمی را به لاتینی ترجمه کرد.^{۱۹} این رساله متنی به عربی و مدافعه‌ای از عقاید مسیحیان است.^{۲۰} از آنجایی که وی، آشنایی با لاتین و تسلط بر آن نداشت، شخص دیگری به نام پیتر پویترز (peter of poitiers) متن را بازمینی و تهذیب نمود.^{۲۱} این فرد اخیر گرچه در زبان لاتینی تبحر داشت، اما آشنایی چندانی با زبان عربی نداشت. این امر پیتر جلیل را واداشت تا برای ترجمه قرآن به دنبال فردی باشد که بر هر دو زبان تسلط و مهارت داشته باشد. این فرد، کسی جز رابرت کتونی نبود.^{۲۲} وی نیز از مترجمان متون علمی به لاتینی بود و مهارت وی در زبان عربی و لاتین، چیزی بود که خواسته پیتر جلیل را برآورده می‌کرد. کار ترجمه آغاز شد و در ۱۱۴۳ م. به پایان رسید.^{۲۳} همگام با ترجمه قرآن، فرد دیگری به نام هرمان کارینتیا (Hermann Carinthia) متن عربی رساله مسائل عبدالله بن سلام را به لاتینی برگرداند.^{۲۴} این متون همراه با چند رده دیگر، مجموعه طلیطله را تشکیل می‌دهد.

مجموعه طلیطله

ترجمه لاتینی قرآن، همراه با چند متن دیگر، مجموعه‌ای به نام مجموعه طلیطله را تشکیل می‌دهند. بخش‌های تشکیل‌دهنده این مجموعه، چنین است:

۱. افسانه‌های ساراسن‌ها (Fabulae Saracenorum) که

تا محققانی چون مندونت^{۲۰} و مونورت د ویلارد^{۲۱} و کسان دیگر، گمان کنند این رساله متنی عربی بوده که پیتر طلیطله‌ای و پیتر پیوترس آن را به لاتینی ترجمه کرده‌اند. بعد از این رساله کوتاه، پیتر جلیل، ردیه مفصل خود با عنوان

Liber contra sectum sive haeresim saracenorum

را نگاشت. متن این ردیه تنها در یک نسخه خطی باقی است^{۲۲} جیمز کریتزیک، خلاصه‌ای از این رساله به انگلیسی همراه با متن لاتینی آن چاپ کرده است.^{۲۳}

اهمیت و اعتبار ترجمه قرآن کتونی^{۲۴}

آدرین ریلند (Adrian Reland، ۱۶۷۶-۱۷۱۸ م)، شرق‌شناس مشهور هلندی اهل اوتریخت (Utrecht) در ۱۷۰۵ کتابی به زبان لاتینی در باب دین محمد (ص) منتشر کرد. این کتاب به انگلیسی، فرانسه، آلمانی و هلندی ترجمه شده است.^{۲۵} در این کتاب وی، دانشجویان الهیات را به استفاده از متون عربی برای فهم درست اسلام توصیه کرده است. از جمله کتاب‌هایی که وی دانشجویان را در استفاده از آن به توجه بیشتری توصیه کرده و به احتیاط فراخوانده، ترجمه مشهور لاتینی قرآن است که رابرت کتونی به دستور پیتر جلیل راهب دیرکلونی در ۱۱۴۳ م. انجام داده است.^{۲۶} ریلند خود دانش کافی در زبان عربی داشته است که قضاوتش را بپذیریم. در آغاز قرن هفدهم میلادی، پیشگامان مطالعات عربی، چون جولیهو چزاره سکالیجرو (۱۵۴۰-۱۶۰۹)^{۲۷} و توماس اربینوس (۱۵۴۰-۱۶۲۴)^{۲۸} هر دو از دانشگاه لیدن، به وضوح ناکارآمدی ترجمه کهن طلیطله‌ای را دریافته بودند.^{۲۹} با این حال نمی‌توان بر اهمیت این ترجمه معترف نبود و آن را باید مآخذ مهم آگاهی غربیان درباره قرآن دانست.^{۳۰} تقریباً این ترجمه را اکثر مهم‌ترین ردیه‌نگاران اروپایی بر ضد اسلام که از میان آنها می‌توانیم به نیکولاس کوزایی (۱۴۶۴-۱۴۰۱)^{۳۱}، دینیوسیوس کارثینوس (۱۴۰۲/۳-۱۴۷۱)^{۳۲}، خوان دوتورتندا (۱۳۸۸-۱۴۶۸)^{۳۳}، خوان لوئیس ویوز (۱۴۹۲-۱۵۴۰)^{۳۴}، مارتین لوتر (۱۴۸۳-۱۵۴۶)^{۳۵}، هوگو گروتیوس (۱۵۸۳-۱۶۴۵)^{۳۶} و افراد دیگری مورد استفاده قرار داده‌اند. این ترجمه برای بیش از شش قرن اعتبار داشته و مآخذ مهمی برای هرگونه آگاهی درباره قرآن تا اواخر قرن هفدهم، زمانی که لودویگو ماراتچی (۱۶۱۲-۱۷۰۰) متن قرآن، همراه با شرح، ردیه و ترجمه مفصل خود به لاتینی نگاشت، بوده است.^{۳۷} تأثیر و نفوذ این ترجمه، تنها محدود به اروپا نبود. کشیشان ژزویت (Jesuits) که در دربار اکبرشاه (حکومت ۱۵۵۶-۱۶۰۵) در باب ادیان به مجادله مشغول بودند، دانش خود درباره قرآن را از این ترجمه به دست آورده بودند.^{۳۸}



و نسخه خطی مجموعه طلیطله در کتابخانه آرسنال پاریس نام وی به لاتین ketenensis آمده که به انگلیسی همان ketton است.^{۳۹} کتونی بعد از اتمام ترجمه خود به اسقفی پامپلونا (Pamplona) منصوب شد. در سال ۱۱۴۴ وی کتابی در کیمیا به لاتین ترجمه کرد.^{۴۰} او کتاب‌های دیگری چون الجبر و المقابله خوارزمی را نیز به لاتین ترجمه کرده است.

۵ - پنجمین بخش مجموعه طلیطله، کتاب رساله عبدالله بن اسماعیل الهاشمی الی عبدالملیح ابن اسحاق الکندی و رساله الکندی الی الهاشمی است.^{۴۱} کتاب مدافعه‌ای از عقاید مسیحیان در مقابل ایرادات مسلمانان است. متن عربی کتاب را آنتون تیئن (Anton Tien) در ۱۸۸۰ (لندن) چاپ کرده است. متن در لندن دوبار تجدید چاپ (۱۸۸۵ و ۱۹۱۲) و در قاهره نیز (۱۸۹۵ و ۱۹۱۲) منتشر شده است. قدیمی‌ترین ذکر این رساله در کتاب الآثار الباقیه عن القرون الخالیه ابوریحان بیرونی (متوفی بعد از ۴۴۲ ق، ص ۲۰۵) آمده است. تعبیر بیرونی از رساله چنین است: «و کذلک حکى عبدالملیح بن اسحق الکندی النصرانی عنهم [یعنی الصابئة] فی جوابه فی کتاب عبدالله بن اسماعیل الهاشمی انهم يعرفون بذبج الناس».^{۴۲} این کتاب یکی از مشهورترین مدافعات مسیحی به زبان عربی است.^{۴۳}

با پایان کار ترجمه، پیتر جلیل که قصدش نگارش ردیه‌ای بر ضد اسلام بود، رساله‌ای تحت عنوان مختصری از عقاید ساراسن‌ها نگاشت.^{۴۴} در آثار دیگر پیتر جلیل از این رساله یاد شده و این باعث شده

مجادلات در باب چاپ مجموعه طلیطله در ۱۵۴۲-۱۵۴۳ در سال ۱۵۴۲، جانشین تسوینگی در کالج وابسته به کاتریدال

زوریخ (Zurich Cathedral) به نام تئودر بیبلیاندر (۱۵۰۴-۱۵۶۴)^{۳۳} که در آنجا کرسی تدریس زبان یونانی داشت و فردی مبرز در زبان عربی بود، به فکر چاپ متن این ترجمه افتاد. وی با زبان‌های عربی، سریانی و حبشی نیز آشنایی کمی داشت. دلیل این قلت آشنایی در نبود متون اصلی به این زبان‌ها بود. در ۱۵۴۸ وی مطالعه‌ای جالب

در زبان‌شناسی تطبیقی، اندکی بعد از دریافت مدرک دانشگاهی خود منتشر نمود. وی همانند دیگر اصلاح‌گران پروتستان علاقه فراوانی به مسائل ترکان داشت.

بیبلیاندر رساله‌ای مختصر در رد بر ترکان نگاشته بود^{۳۴}، فکر انتشار مجموعه طلیطله، بیبلیاندر را بر آن داشت تا از دوست خود یوهانس اوپرنیوس، که بعدها یکی از مهمترین ناشران شهر بازل شد،^{۳۵} بخواهد برای وی کتاب‌های عربی از ایتالیا تهیه کند. به این ترتیب بیبلیاندر توانست به مجموعه متونی از فقه، تاریخ که مهمترین آنها قرآن بود، دست یابد. با وجود کاستی‌های ترجمه کتونی، بیبلیاندر تصمیم گرفت تا متن آن را منتشر کند. وی دو نسخه خطی از قرآن در اختیار داشت که هنوز در کتابخانه دانشگاه بازل باقی است

(نسخه خطی A.III.19). بیبلیاندر به‌رغم نداشتن، دانش کافی برای بازنگری و تصحیح مجموعه طلیطله، بر این ترجمه مطالبی افزود.^{۳۶}

چاپ ترجمه قرآن همراه با متون دیگر از جمله ردیه نیکولاس کوزایی کار چندان آسانی نبود. در شهر بازل قانونی وجود داشت که چاپ هر کتابی را منوط به اجازه شورای شهر می‌کرد، گرچه اغلب ناشران این قانون را برای تسریع در چاپ آثار، نادیده می‌گرفتند. بعد از چاپ این مجموعه، اوپرنیوس به مقامات خیر چاپ کتاب را اعلام کرد. تصمیم درباره اجازه پخش و ادامه چاپ کتاب یا منع آن، با وجود عدم توافق تصمیم‌گیرندگان در این خصوص گرفته شد و به اوپرنیوس اعلام شد که نباید کار چاپ کتاب را دنبال کند. اوپرنیوس این دستور را نادیده گرفت که به زندانی شدن وی برای چند روزی منجر شد و آنچه که چاپ شده بود، توقیف و ضبط شد و تنها با پذیرش عدم پیگیری کار چاپ تا تصمیم در این باره، رها شد. وی به مکاتبه با بیبلیاندر و دیگر پروتستان‌های استراسبورگ پرداخت. وضعیت مشابه برای یوهانس روخلین (Johannes Reuchlin; 1523-1455) رخ داده بود.

وی نیز به چاپ کتاب‌های یهودی چون تلمود مشغول بود.^{۳۸} نزاع وی با پاپ لئودهم در این باب به لیبرال متهم شدن روخلین منتهی شد.

مخالفان چاپ قرآن در شهر بازل به رهبری اسوالد میکونوس (Oswald Myconius) در خطرناک بودن قرآن به دلیل آن که حاوی عقایدی مشابه گروه‌های مبتدع مسیحی چون آریوس، نسطوریان و غیره بود، متفق‌القول بودند. با وجود این، شناخت عقاید بدعت‌آمیز نیز ضرورت داشت تا بتوان آنها را رد کرد. در آن ایام، خطر عثمانی و تهدید جدی اروپا از سوی ترکان در اذهان اروپاییان، تصویری منفی از اسلام ایجاد کرده بود. در هر حال با استدلال به نگارش ردیه‌ها برای اطلاع از متن قرآن، اجازه چاپ قرآن داده شد. شهر بازل در این ایام به پایتخت تساهل^{۳۷} شهرت داشت و وضعیت مطلوبی نسبت به دیگر شهرهای آلمان داشت.^{۳۸}

گروه مخالف چاپ ترجمه قرآن، تحت تأثیر و نفوذ یکی از مهمترین عالمان شهر بازل، سیاستین مونستر (Sebastian Munster; 1552-1488)^{۳۹} بودند. استدلال این گروه در مخالفت با چاپ قرآن این بود که در قرآن چیزی که ارزش خواندن داشته باشد، وجود ندارد (در قرآن حقیقتی نیست). لزوم مطالعه قرآن تنها برای محققان است نه عموم مردم، به این دلیل چاپ قرآن و در اختیار عموم قرار دادن، لزومی ندارد. چنین استدلال‌هایی به هیچ رو جدید نبود. با این حال مخالفان، حامیان

قدرتمندی در شهر داشتند که مهمترین آنها حقوق‌دانی به نام بونیفاسیوس آمرباخ (Bonifacius Amerbach; ۱۵۶۲-۱۴۱۵) بود.^{۴۰} استدلال‌های آمرباخ این‌گونه بود: کتاب‌های حاوی عقاید بدعت‌آمیز نمی‌بایست خوانده یا پخش شوند. نظر شورای وین (۱۳۱۱-۱۳۱۲) و فرمان مشهور آن در ایجاد کرسی مطالعات زبان‌های شرقی،^{۴۱} نمی‌تواند به عنوان مستمسکی مورد استناد قرار گیرد. این فرمان به فراگیری زبان عربی اشاره داشته نه لزوم خواندن متون عربی یا ترجمه لاتینی قرآن، دیگر آن که، وضعیت روخلین در چاپ تلمود با چاپ قرآن تفاوت داشته است. روخلین در چاپ کتاب‌های یهودی فعالیت داشت که کاربردی برای مسیحیان داشت، به عنوان مثال در ادبیات تفسیری انجیل و مسائل مشابه. در حالی که آمرباخ چنین فوایدی را در قرآن نمی‌دید. مشکل چاپ تنها با پادرمیانی و وساطت مارتین لوتر حل شد. اقتدار وی، مهمترین دلیل برای چاپ قرآن بود.^{۴۲} نامه‌ای که لوتر به شورای شهر بازل فرستاد^{۴۳}، حاوی استدلال جدیدی نبود که حامیان چاپ قرآن آرایه نکرده باشند. مقدمه‌ای که لوتر برای متن چاپ شده نگاشته است (که بر متن چاپ شده، افزوده نشده است)^{۴۴}، نیز حاوی مطلب جدیدی نیست. آنچه که لوتر درباره قرآن می‌دانست در کتابی مشابه یعنی ترجمه تلخیص گونه ردیه ریکالدو دومونته کروچه که لوتر



Abb. 4: Titelholzschnitt zur Erstausgabe von Ricoldo Cornes gegen Sebastian Munster über den Titel Improbatio alcorani, Hagen: Semiotik, Februar 1907/London: BM: (A 23412); aus: HANNA, Geschichte, S. 400, Abb. 453.

آن را به آلمانی ترجمه کرد، یافت می‌شود.

ردیه ریگالدو بر ضد مسلمانان

دومین کتابی که برای اروپاییان اهمیت فراوانی در آگاهی از قرآن داشته، ردیه ریگالدو دومونته کروچه (شهری نزدیک فلورانس) است.^{۵۷} کروچه حدود ۱۲۴۳ متولد شد.^{۵۸} در سال ۱۲۶۷ وی کشیشی دومینکن شد و تا حدود ۱۲۸۵، عمر خویش را با سفر به کشورهای خاورمیانه سپری کرد. مدتی در بغداد اقامت داشت و در آنجا زبان عربی را فراگرفت و بر طبق آنچه که در سفرنامه خود آورده مباحثاتی با عالمان مسلمان درباره قرآن داشته است. به‌رغم توصیف دوستانه‌ای که وی از مردمان مسلمان در سفرنامه‌اش داشته،^{۵۹} کتاب مهم وی یعنی رد مذهب ساراسن‌ها، اثری کاملاً جدلی است و حاوی انتقاداتی از اسلام است. داستان چاپ این ردیه نیز تا حدی پیچیده و جالب توجه است.^{۶۰}

نخست، کتاب که هنوز به صورت نسخه خطی باقی است، به یونانی از سوی دمیتریوس کیدونس (۱۳۲۴-۱۳۹۷) (Demetrios kydones)^{۶۱} در میانه قرن چهاردهم ترجمه شد. این

ترجمه در آغاز قرن شانزدهم از سوی فردی به نام بارتلموی اهل مونته آردو به لاتینی ترجمه شد.^{۶۲} در حالی که متن لاتین کتاب، برای نخستین بار در اشبیلیه (Sevilla) در ۱۵۰۰ و چاپ دوم آن، و نیز ۱۶۰۷ منتشر شد، ترجمه مجددی از یونانی به لاتین بود. این ترجمه اثری موفق بود و خوانندگان فراوانی داشت و به چندین زبان ترجمه شد. در مجموعه‌ای که بیبلیاندر در ۱۵۴۳ به چاپ رساند، متن یونانی همراه با ترجمه مجدد آن به لاتینی (ج ۲ ص ۸۳-۱۱۶) چاپ شده است. ترجمه مجدد از یونانی به لاتین، اساسی بود برای مارتین لوتر در ترجمه این اثر به آلمانی.

ردیه ریگالدو در بردارندهٔ ایرادات بیان شده از سوی متکلمان مسیحی بر ضد قرآن است و مطلب جدیدی ندارد، تنها ویژگی مهم آن بیان منظم و نظام‌مند این رساله^{۶۳} و نقل قول از متن عربی قرآن و ترجمه‌های دقیق از قرآن است.^{۶۴} بد نخواهد بود که بدانیم، ریگالدو بر چه اساسی از قرآن خرده گرفته است. از این رهگذر می‌توان به میزان آشنایی وی با قرآن پی برد. انتقادات مهم ریگالدو از قرآن چنین است:

۱- قرآن چیزی جز ترکیبی از بدعت‌های کهن نیست که آباء کلیسا آنها را رد کرده‌اند.^{۶۵}

۲- قرآن را نمی‌توان به عنوان قانونی الهی پذیرفت، چرا که به واسطهٔ عهد عتیق و جدید، وقوعش پیش‌گویی نشده است.^{۶۶} فزون‌تر آن که در بعضی موارد، قرآن به صراحت به انجیل اشاره می‌کند. عقیدهٔ مسلمانان در تحریف متون مقدس مسیحی و یهودی را نمی‌توان پذیرفت.^{۶۷}

۳- سبک قرآن با سبک انجیل همخوانی ندارد.

۴- نمی‌توان ادعا کرد که متن قرآن وحیانی است و منشأ الهی دارد، چرا که در آن داستان‌های متعدد خیالی هست که هیچ اساسی در سنت انجیلی ندارد. دیگر آن که برخی مفاهیم اخلاقی با یقینات فلسفی تضاد دارد.

۵- قرآن مشحون از تناقضات است. به عبارات دیگر قرآن کتابی فاقد نظم است.

۶- وثاقت قرآن با معجزات اثبات نشده است.

۷- قرآن کتابی بر خلاف عقل است. این با مشی زندگی غیراخلاقی پیامبر اثبات می‌شود و قرآن حاوی کلمات کفرآمیز و معتقدات بی‌معنی در باب موجودات الهی و غیره است.^{۶۸}

۸- قرآن خشونت را در راه گسترش اسلام تعلیم می‌دهد و تبهکاری را تأیید می‌کند. مثال برای این گفتهٔ سورهٔ تحریم



است.

۹- تاریخ متن قرآن آن‌گونه که ریگالدو آورده است، در برخی جزئیات عدم وثاقت متن را آشکار می‌کند.

۱۰- داستان معراج پیامبر جعلی و افسانه است. اهمیت کتاب ریگالدو در این است که مثالی کلاسیک از ادبیات ضد اسلامی مسیحیان در قرون وسطی در باب اسلام است، کار ریگالدو همانند اثر فلسفی نیکولاس کوزایی در کتاب نقد قرآن^{۶۹} یا دیگر ردیه‌های تند متکلمان مسیحی بر ضد اسلام نیست که^{۷۰} اغلب به فحاشی بیشتر شباهت دارند تا ردیه.

ردیه‌ای بر قرآن نوشته مارتین لوتر

در سال ۱۵۳۰ مارتین لوتر در نظر داشت تا تمام قرآن را به زبان آلمانی ترجمه کند. از آنجا که وی زبان عربی نمی‌دانست، کار ترجمه، قرار بود از ترجمه لاتینی قرآن انجام شود. اما این فکر را رها کرد و انجام طرح خود را محدود به ترجمهٔ رسالهٔ برضد مذهب ساراسن‌ها، نوشتهٔ کروچه کرد.

در سال ۱۵۴۲ لوتر رسالهٔ ریگالدو را به آلمانی ترجمه کرد،^{۷۱} گرچه ترجمهٔ وی از متن لاتینی (که ترجمهٔ مجددی از متن یونانی بود)



ناشران شهر بازل، کسی بود که چاپ برخی کتاب‌های جتجالی فوق چون ترجمه لاتینی قرآن و کتاب تشریح وازیلوس را برعهده گرفته بود. فرد دیگری که در کار چاپ ترجمه لاتینی قرآن، سهمی برعهده داشت، تئودر بیبلیاندر، دوست اوپرنیوس بود.

بخش دوم و سوم تفصیل ماجراهایی است که در قبل آمد. فصل چهارم، زندگی و اقدامات یوهان آلبرشت وید منشتتر (1506 - 1557 ; Johann von widmanstetter) را بررسی می‌کند. وی فردی کاتولیک بود و در نزدیکی محلی به نام اولم (Ulm) به دنیا آمد. وی در سال ۱۵۳۰ در مراسم تاجگذاری امپراتور چارلز پنجم در بالونیا (Bologna) حضور داشت. هجده سال بعد وی به مقامات بالای کلیسایی رسید. در ایتالیا به مطالعه و فراگیری زبان عربی علاقه‌مند شد. از سال ۱۵۳۳ تا سال قبل از مرگش سفیری در آلمان بود. وی در کنار فراگیری زبان عربی، به زبان‌های عبری و سریانی نیز آشنا بود. در سال ۱۵۴۳ در نورنبرگ، مطالعات خود درباره اسلام با عنوان *Adallae filii explicata Mahometis*، منتشر کرد. مهمترین بخش این کتاب، فصل *Epitome Alcorani* (چکیده‌ای از قرآن) بود که ترجمه عبارتهایی از قرآن را آورده است. وی در این بخش‌ها از برگردان رابرت کنتونی بهره برده است.

وید منشتتر شهرت اصلی خود را مدیون چاپ عهد جدید به سریانی بود و در این کار گلیوم پوسترل که خود گرایش‌های باطنی‌گری دو دین یهودیت و مسیحیت در کنار اسلام از علائق اصلی بود، یاری کرده بود. پوسترل نیز از دوستان اوپرنیوس بود و

دلخواهانه بود. لوتر مطالب برخی صفحات را خلاصه کرد که از نظر وی، بیش از حد کلامی بود و از خود بحث‌هایی در باب اهمیت مطالب محذوف افزود. دو ویژگی در کار لوتر قابل ذکر است. کتاب ریکالدو برای متکلمان نگاشته شده، هدف او از نگارش علیه مذهب سازسن‌ها تهیه متنی برای عالمان مسیحی بود، اما لوتر در هنگام نگارش این ترجمه، دو دشمن داشت: اسلام به عنوان تهدیدی جدی از سوی ارتش عثمانی (ترکان) و کلیسای کاتولیک و در رأس آن پاپ که از هر دو به تعبیر دجال (Antichrist) یاد کرده است.^{۳۳} در ارزیابی مجادلات ضد اسلامی بعد از اصلاحات باید این را در ذهن داشت که اسلام تنها وسیله‌ای برای مجادلات فرقه‌ای ضداسلامی نبوده و در مجادلات ضدکاتولیکی نیز کاربرد داشته است.^{۳۴} ظاهراً اسلام اغلب چیزی جز گروه دیگر در رده‌نگاری کاتولیک‌ها بر ضد پروتستان‌ها و برعکس نبوده است. دوم ترجمه لوتر از حیث لحن و کلمات متفاوت است: در حالی که لحن رساله ریکالدو تا حدی ملایم است (گرچه خالی از پرخاش و تندتندی نیست)، ترجمه آلمانی، آکنده از تندتندی و پرخاش است که از ویژگی آثار اواخر عمر لوتر است. (ترجمه کتاب ریکالدو، چهار سال قبل از مرگ لوتر در ۱۵۴۶، نگاشته شده است). لوتر در نظم و ترتیب ذکر مطالب، هدف خاصی را دنبال می‌کند: کتاب وی در حد جزوه‌ای بود و هدف لوتر آن بود که کتاب مددکار و عاظم در خطابه‌هایشان برای مردمان عادی بر ضد اغواغات اسلامی باشد.^{۳۵} شاید به کارگیری کلمه اغواغات درباره اسلام از سوی لوتر، عجیب به نظر آید، اما لوتر از کاربرد این کلمه مقصود خاصی دارد. از نظر لوتر، اسلام چیزی جز یهودیت نیست و اسلام از جهات فراوانی به یهودیت همانند است. لوتر در انتهای ترجمه کتاب ریکالدو، رده خود را آورده است.

آنچه که گفته شد، بخشی از مطالب کتاب قرآن در عصر اصلاحات بود. بعد از مقدمه‌ای کوتاه (ص ۱-۱۲)، کتاب در پنج فصل به بررسی حیات و تأثیر مارتین لوتر، تئودر بیبلیاندر، یوهان آلبرشت وید منشتتر و گیوم پوسترل می‌پردازد.

در سال ۱۵۴۳ دو کتاب به چاپ رسید که هر دو در برهم ریختن تصور اروپاییان نسبت به عالم خارج نقش مهمی داشت. کوپرنیک، با نگارش کتاب گردش افلاک، این گمان را که زمین مرکز عالم است، دگرگون کرد. عالم دیگری به نام وازیلوس (vesalius) کتابی در علم تشریح نگاشت که آن را می‌توان سرآغاز علم تشریح عملی دانست. در همین سال نیز ترجمه کامل لاتینی قرآن در شهر بازل و کتابی که خلاصه‌ای از قرآن را در برداشت با عنوان *الهیات محمد* به چاپ رسید. فصل اول به بحث از ارتباط میان چاپ این آثار به ظاهر بی‌ارتباط با هم می‌پردازد. مطلب دیگری که در این فصل از آن سخن رفته است، شرح احوال اجمالی کسانی است که در این ماجراها نقش مهمی برعهده داشتند. یوهانس اوپرنیوس، یکی از مشهورترین

Die Juden vffschutz/



Sergius
der kaiser.



Mahomet/



منصوب شود. وی افکار خاصی داشت که براساس آنها، وی را به زندان افکندند. پوستل در ۱۵۸۱ در دیر قدیس مارتن دشان (St. Martin des Champs) درگذشت. همان گونه که بوبتسین متذکر شده، وی اطلاعات قرآنی خود را از مجموعه طلیطله اخذ نکرده است. با وجود خطاهایی در فهم عربی وی، بیش از پیشینیان خود عربی می دانسته است.^{۳۳}

کتاب قرآن در عصر اصلاحات را باید یکی از مهمترین آثار نگاشته شده در سالیان اخیر در حوزه مطالعات اسلامی دانست که در آن سعی شده است تا سرآغازهای حرکت شرق شناسی نشان داده شود. همچنین این کتاب چگونگی آشنایی غربیان با قرآن را نشان می دهد. روندی که نخست باردیه نگاری و نگاه های تعصب آمیز آغاز شد و تنها گذر زمان و تعامل بیشتر بین اسلام و مسیحیت، امکان شناخت بیشتر دو طرف از یکدیگر را به دست داد. مؤلف کتاب، هارتموت بوبتسین، استاد مطالعات عربی و اسلامی در دانشگاه ارلانگن (University of Erlangen) آلمان است و سردبیری مجله مطالعات عربی (Zeitschrift fur Arabische Linguistik) که همان دانشگاه منتشر می کند، برعهده دارد. فهرست برخی مقالات و آثار وی در پایان ارجاعات آمده است.

1. Corpus Toletanum or Colletio Toletana.

بخش اعظمی از تألیفاتش را همین ناشر خوش نام شهر بازل به چاپ رسانده بود.

فصل پنجم، شرح حال و احوال گیوم پوتسل (1510-1581; Guillaume Postel) را بررسی می کند.^{۳۵} وی دو سفر به خاورمیانه نمود و از این طریق اطلاعات مهمی درباره اسلام به دست آورد. دو سفر نخست، وی در مقام سفیر فرانسه در استانبول حضور یافت (۱۵۳۴-۱۵۳۷). سفر دوم در مقام محقق جهانگرد و بین سال های ۱۵۴۹ تا ۱۵۵۱ بود.

کتابی با عنوان Cordia De Orabis Terrae Can (درباره وحدت عالم) به رشته تحریر درآورد که اوپرنیوس، ناشر معروف شهر بازل آن را به چاپ رسانده است.

پوستل در بخش دوم این کتاب آیات متعددی از قرآن را به لاتینی ترجمه کرده است. بررسی بوبتسین این را نشان می دهد که پوستل از ترجمه لاتینی کنونی استفاده نکرده است و خود از متن عربی قرآن بهره برده است. اهمیت پوستل در تأثیر وی در مطالعات اسلامی در اروپا است. وی کتاب مشهوری در نحو عربی دارد.^{۳۶} تسلط و آشنایی وی با زبان عربی باعث شد تا به سمت استادی زبان های شرقی در کلژدوفرانس (College de France)

همچنین ر. ک:

Emil Egli, "Biblianders Mission Sgedan ken", Zwingliana III: 2 (1913), pp. 46 - 50 and Walther Kohler, Zu Biblianders Koran-Ausgabe", Zwingliana, III: II (1918), pp. 349-50 "

جیمز کریتزیک دربارهٔ مجموعه طلیطله نوشته است: «به دلیل خطاها و افتادگی‌هایی در چاپ بیبلیاندر و نسخه‌های خطی متاخر که محققان اطلاعات خود را از آنها برگرفته‌اند، با تأسف باید گفت به دلیل بررسی غیردقیق و کامل مأخذ در دسترس، حقایق فراوانی دربارهٔ مجموعه طلیطله به تازگی کشف شده است. ر. ک:

James Kritzeck, "Robert of Ketton's traslation of the Quran", Islamic Quarterly, 2 (1955), p. 309.

همو، به نمونه‌ای از مطالعات که بر یافته‌های قبلی در این باره متکی است، اشاره کرده است: ر. ک:

Marcel Devic, "Une traduction inedite du Coran" Journal Asiatique, & Serie I (April-June, 1883), pp. 343-406.

آثار مقدمانی مفیدی که در این باب نوشته شده، تحقیقات سه تن از محققان به نام‌های پیر مندوت، موریتز استین اشناپدر و اوگو مونورت دویلارد است. تحول در مطالعات مجموعه طلیطله و نخستین ترجمه قرآن با کشف و بررسی نسخه خطی ۱۱۶۲ کتابخانه آرسنال پاریس از سوی ماری ترزا آلورنی صورت گرفت که خود وی تحقیقی مفصل در باب این نسخه منتشر کرده است (بنگرید به پی‌نوشت یک). بعد از وی محققان چندی نیز به تحقیق در این موضوع پرداخته‌اند. به پیشنهاد جرج دلاویدا به جیمز کریتزیک و موافقت همکاری آلورنی با کریتزیکه وی به تحقیق و تصحیح بخشی از متن لاتین ردیه و نوشته‌های پیتر جلیل پرداخته است. در نسخه خطی دیگری از مجموعه طلیطله، بخش دیگری وجود دارد که تا به حال مورد توجه محققان قرار نگرفته و آن ردیه‌ای دیگر از دو ردیه‌ای است که پیتر جلیل بر ضد اسلام نگاشته است. به نظر می‌رسد، متن این ردیه تنها در یک نسخه خطی شماره ۳۸۱ کتابخانه Municipale de Douai باقی مانده است. این لزوم مطالعه مجدد این مجموعه با در نظر گرفتن متن این ردیه را الزامی کرده است.

در مجموعه‌ای از مطالعات که به پاس هشتصدمین سال درگذشت پیتر جلیل در ۱۹۵۶ به چاپ رسیده، مقالات چندی دربارهٔ پیتر جلیل و اهمیت کار وی چاپ شده است، جیمز کریتزیک در این مجموعه، مقاله‌ای دربارهٔ منقولات پیتر جلیل از مجموعه طلیطله در تألیفات وی نگاشته است. وبرجینیا بری (ص ۱۴۱ - ۱۶۲) مقاله‌ای دربارهٔ پیتر جلیل و صلیبیان و چارلز جولین بیشکو، سفر پیتر جلیل به اسپانیا (ص ۱۶۳ -

مهمترین محقق اروپایی که در مورد این مجموعه تحقیق کرده است. خانم ماری ترزا آلورنی است. از مهمترین مقالات ایشان می‌توان به تألیفات زیر اشاره کرد:

M-Th. d'Alverny, "Deux traductions latines du Coran au moyen-age," in, Archives d'histoire doctrinale et litteraire du moyen-age, 22/23 (1947/48), pp. 69-131, idem, "Quelques manuscrits de la "Collectio Toletana", G.Constable and J. Kritzeck "Collectio Toletana" Vererabilis (1156-1956), Rome (eds.) petrus Vererabilis (1156-1956), Rome 1956 (= Studia Anselmiana 40), PP. 202-218.

همچنین خانم آلورنی مقالاتی دربارهٔ دیگر ترجمه لاتینی قرآن، یعنی ترجمهٔ مارک طلیطله‌ای (Mark of Toledo) نگاشته است. این مقاله با همکاری جرج وجده نگاشته شده است. ر. ک:

M. Th. d'Alverny and G. Vajda, "Marc de Toleda, Traducteur d'Ibn Tumart", in: Al - Andalus, 16 (1951), pp. 99-140, 259-307, 17 (1952), pp. 1-56.

این ترجمه هفتاد سال بعد از ترجمه کنونی و به خواهش اسقف اعظم رادا، به نام دون رودریگو خمینز حیات (۱۱۸۰/۱۱۷۰ - ۱۲۴۷م) انجام شده است. مارک طلیطله‌ای نیز از مترجمان آثار علمی عربی به لاتینی بوده و به ترجمه آثار جالینوس از ترجمهٔ عربی حنین بن اسحاق مشغول بوده است. در کل خانم آلورنی هفت مقاله دربارهٔ این دو ترجمه نگاشته که تمام آنها در کتاب زیر تجدید چاپ شده است. ر. ک:

Marue - Therese d'Alverny, La Connaissance de L'Islam dans L'occident medieval, London, Variorum, 1994.

داستان چاپ مجموعه طلیطله را به تفصیل امیل اِگلی بیان کرده است. ر. ک:

Emil Egli, Analecta Reformatoria, II (Zurich, 1901) pp. 50-61.

مأخذ کهن‌تر که حاوی اطلاعات بیشتری در این باره هستند به نقل از مقاله فوق چنین است:

O. Clemen and H.Barge, "Vorrede Zu Theodor Biblianders Koranausgabe, 1543, D. Martin, Luthers Werke, LIII (Weimar, 1920), PP. 561-68

حدود ۷۵۰ م)، نیکولاس کوزابی (۱۴۰۱ - ۱۴۶۴ م) به چاپ رسیده یا مورد تحلیل مفصل محققان قرار گرفته است. ر. ک:

1) Daniel. J. Sahas, John of Damascus on Islam: The Heresy of the Ishmaelites, Leiden, Brill, 1972.

2) Paul Naumann, Nikolaus von Cues, Sichtung des Alkorans (Cribratio Alkoran). Erstes Buch. Mit Anmerkungen Von Gustav Hlscher, 2nd ed. Ham burg: Meiner, 1948.

برای کاربرد ترجمه‌های یونانی از قرآن در مجادله‌نویسی متکلمان مسیحی بر ضد اسلام. ر. ک:

Kess Versteech, Greek translations of the Quran in Christian Polemics, ZDMG, 141 (1991), PP. 52-68.

۸ در دائرةالمعارف اسلام ذیل مدخل عبدالمسیح بن اسحاق کندی این گونه آمده است: نام داده شده بر مؤلف مدافعه نوشته شده از او با مسیحیت که به صورت نامه است، در پاسخ به دوست مسلمان که از او با عنوان عبدا... بن اسماعیل هاشمی یاد شده است. هاشمی نامه‌ای به کندی نوشته و او را به اسلام دعوت کرده است. کندی در آغاز نامه ذکر کرده است که به دلایلی مایل به ذکر نام خود نیست و تنها با اشاره به دو نام هاشمی و کندی مطالب خود را بیان خواهد کرد. نام این دو تن را تنها بیرونی (متوفی بعد از ۴۴۲ ق) متذکر شده است. در عنوان برخی از نسخه‌های این کتاب، نام یعقوب بن اسحاق کندی آمده که نباید با مؤلف و فیلسوف مشهور مسلمان (متوفی ۲۵۶ ق/ ۸۷۰ م) اشتباه نمود. ویلیام مویر با توجه به شواهد تاریخی مذکور در متن نامه‌ها، زمان نگارش آن را ۲۱۸ ق می‌داند. لوی ماسینیون به دلیل دیگری، سال ۳۰۰ ق را پیشنهاد کرده است. خانم آلورنی، براساس ترجمه لاتین رساله که در آن از نسطوریان به عنوان مبتدع یاد شده، مؤلف آن را یحیی بن عدی نحوی می‌داند. ر. ک:

EI2, S.V. "Abd Al - Masih Al-Kindi, Vol: 15, p. 120b.

۹- متن این رساله را هیأت‌های تبشیری به چاپ رسانده‌اند. ویلیام مویر نیز آن را به انگلیسی ترجمه کرده است. متن عربی رساله را آنتون تیئن (Anton Tien)، لندن ۱۸۸۰ به چاپ رسانده است. نسخه بهتری از این رساله در اثر زیر معرفی شده است.

P. L. Cheikho, "Catalogue raisonne des manuscrits de la Bibliotheque Orientale. VI: Controverses", Melanges de (L'Universite Saint - Joseph, Xiv (1929), pp. 43-46.

(۱۷۵) را بررسی کرده‌اند. ماری ترزا آلورنی نیز، مقاله‌ای در معرفی نسخه‌های خطی مجموعه طلیطله نگاشته است.

2. Theodor Bibliander (Buchmann).

3. Ulrich Zwingli

4. Johan Herbest (Oporinus)

سه برای اقداماتی که ببیلاندر در تصحیح انجام داده، به مقاله زیر

رجوع شود:

Hartmut Bobzin, "ber Theodor Biblianders Arbeit am Koran (1542/3)", ZDMG, 136,2 (1986), PP. 347-363.

ع در مورد حرکت ترجمه متون عربی به لاتینی در این دوره. ر. ک:

C. H. Haskins, Studies in the History of Mediaval Science, Cambridge/ Mass. 1927 (repr. 1960), Ch. 9, M.-Th.

d,Alverny, "Translations and Translators", in: R. L. Benson and G. Constable (eds.)

Renaissance and Renewal in the Twelfth Century, Oxford, 1982, pp. 421-462.

۷- برای فعالیت‌های مجادله‌گران و کشیشان مسیحی در نگارش

ردیه بر اسلام. ر. ک:

1) Marius Canard, Les relations Politiques et Sociales entre Byzance et les Arabes, in: Dumbarton Oaks Papers, 18 (1964), pp. 35-56

2) Erdmann Fritsch, Islam und Christentum im Mittelalter: Beitrage zur Geschichte der muslimischen polemik gegen das christentum in arabischer Sprache, Breslau: Muller and Seiffert, 1930.

3) Carl Cuterbock, Der Islam im Lichte der by zantinischen Polemik, Berlin: Guttentay, 1912.

4) Adel Theodor. Khoury, Les theologiens byzantins et L'Islam: Textes et auteurs, Znd ed. Louvain, 1969.

5) idem, Polemique byzantine contre L'Islam (VIIIle - X III es.) 2nd ed. Leiden: Brill, 1972.

از میان این ردیه‌ها، ردیه یوحنا دمشقی (اواخر دوره امویان، متوفی

Biblioteca dela Junta (Madrid, 1912),
pp. 44, 50

17- Dotrina Mahumet

۱۸- تعداد سؤال‌هایی که در این کتاب مطرح شده، در منابع به صورت‌های مختلفی چون صدپرسش، چهار صد و چهار سؤال آمده است. ر. ک:

Steinschneider, Polemische und apologetische Literatur in arabischer sprache (Leipzig, 1877), pp. 110-14, idem, Die arabische Literatur der Juden (Frankfurt - Main, 1902). pp. 8-9

شرح حال مفصل عبدالله بن سلام را هورویتز (J. Horovitz) در دائرةالمعارف اسلام و ویرایش اول آورده است. از نسخه‌های این کتاب می‌توان به رساله شانزدهم مجموعه ۲۰۰۳ (تاریخ کتابت ۱۱۴۸) مجموعه گاریت و ۲۶۵۸ (ELS ۳۰۱۸) مجموعه یهودا اشاره کرد. این کتاب در ۱۸۶۷ (قاهره) چاپ شده است. ترجمه‌ای از این کتاب به انگلیسی انجام شده که چندان قابل استفاده نیست. ر. ک:

N. Davis, The Errors of Mohammedanism Exposed: Or, A Dialogue between the Arabian Prophet and a Jew, translated from the Arabia (Malta, 1847).

G. F. Pijpe (مستشرق هلندی) نیز تحقیقی درباره این کتاب منتشر کرده است. ر. ک:

idem, Het boek der duizend wagen (Leiden, 1924)

برای معرفی این کتاب ر. ک:

J. Horovitz, Der Islam, XVI (1927), pp. 296-98

19. E. Ekwall, The Concise Oxford Dictionary of English Place - Name (Oxford, 1936), p. 267, d'Alverny, "Deux traductions du Coran au Meyen Age," p. 71, note 2.

وی بعد از اتمام این ترجمه به پامپلونا (Pamplona) منصوب شد. در سال ۱۱۴۴ کتابی در کیمیا به لاتینی ترجمه کرد. این ترجمه وی در پاریس ۱۵۴۶ و بار دیگر در اثر زیر تجدید چاپ شده است. ر. ک:

J. J. Manget, Bibliotheca Chemica Curiosa, I (Geneva, 1702), pp. 509-19

کتونی کتاب‌های دیگری چون الجبر و المقابله خوارزمی را به لاتینی ترجمه کرده است.

۲۰- به تازگی این کتاب از عربی به فرانسه ترجمه شده است. ر. ک:

متن ترجمه لاتینی این رساله نیز با مشخصات زیر به چاپ رسیده است:

Jose Munoz Sendino, "La Apologia del Cristiaismo de al - Kindi", Miscelanea Comillas, 11-12 (1949), pp. 339-460.

نسخه کتابخانه آرسنال پاریس ۳۸۱ که متن لاتین رساله را دربر دارد، متن بهتری است که در این چاپ مورد استفاده نبوده است. درباره کتاب به کتابشناسی تألیفات مسیحیان عرب زبان رجوع شود:

G. Graf, Geschichte der Christlichen arabischen Literatur, ii (Studi e Testil 33), 1947, pp. 135-45.

ترجمه انگلیسی آن با مشخصات زیر منتشر شده است:

W. Muir, The Apology of Al-Kindi (London, 1882).

۱۰- وی را نباید با فرد هم نامش که رئیس دانشگاه پاریس یا مرکز رگولارست ویکتور بوده، (Canon Regular of St. Victor) اشتباه کرد. ر. ک:

M. Lecointre - Dupont, "Notice sur Pierre de Poitiers, Grand Prieur de Cluni Abbe de St. Martial de Limoges," Memoires de la Societe des Antiquaires de L'Ouest, ix (1842), pp. 369-91

۱۱- در مورد وی ر. ک: پی نوشت شماره ۲۹

۱۲- سال پروردگار ۱۱۴۳، سال ۱۴۵۳ براساس تقویم الکساندر و براساس سال هجری ۵۲۷ و سال هجری شمسی ۵۱۱. به این سالها در نسخه آرسنال تصریح شده است. ر. ک:

James Kritzeck, Robert of Ketton's translation of the Quran, Islamic Quarterly, 2 (1955), pp. 310-311.

۱۳- وی از مترجمان متون کلاسیک عربی در حوزه علوم به لاتینی است. در مورد وی ر. ک:

H. Bosmans, "Hermann Le Dalmate, traducteur des traites arabes", Revue des questions Scientifiques, Lvi (1904), pp. 669- 72.

14. James Kritzeck, Peter the Venerable and Islam (Princeton, N. J. 1964), p. 75.

15. Liber Generationis Mahumet

16. J. Ribera, and M. Asin, Manuseritos Arabes y Aljamiados de la

«اگر بر روی کره زمین تنها یک دین وجود داشته باشد که دشمنانش آن را به زشت‌ترین شکل وصف کرده و مورد نفرت دیگران قرار داده باشند، به گونه‌ای که یک فرد خردمند حتی از نوشتن رد بر افسانه‌هایی که به آن نسبت داده‌اند، عار داشته باشند، آن دین، اسلام است. ر. ک: جواد حدیدی، دومین ترجمه قرآن مجید به زبان فرانسه، مجله ترجمان وحی، سال چهارم (۱۳۷۹)، شماره اول، ص ۲۴.

۳۰- در مورد این ترجمه ر. ک:

James Kritzeck, "Robert of Ketton's translation of the Quran", Islamic Quarterly, 2 (1955), pp. 309 - 312, idem, Peter the venerable and Islam, Princeton 1964, M-Th. d'Alverny, Deux traductions du coran au moyen age, in, Archives d'histoire doctrinale et litteraire du moyen - age 22/23 (1947/48), pp. 69-131, H. Bobzin, Der Koran im Zeitalter der Reformation, P. 46ff, idem Latin Translation of the koran, A short Overview, Der Islam, LXX, Heft (1993), pp. 194-198

پیتر جلیل، راهب اعظم دیرکلونی (متوفی ۱۱۵۶م) انجام ترجمه قرآن را در یک طرح کلی یعنی نگارش رده‌هایی بر ضد اسلام در نظر داشت. وی پنج بخش بر این ترجمه افزود. ۱- نامه‌ای درباره کار ترجمه به سنت برنارد کلروویی (Bernard of Clairvaux) که متن آن در نسخه اصلی مجموعه طلیطله در کتابخانه آرسنال پاریس به شماره ۱۱۶۲، برگ‌های ۴۷-۳۷ آمده است. ۲- خلاصه‌ای از عقاید مسلمانان که پیتر جلیل آن را به عنوان مقدمه‌ای بر آغاز ترجمه نگاشته که در نسخه آرسنال در برگ‌های 1r-3v نیز آمده است. ۳- نامه هفدهم از کتاب چهارم نامه‌های پیتر که نامه‌ای مفصل به سنت برنارد است که کل نامه اول با تفاوت‌هایی در برخی عبارات و بخش اعظم خلاصه‌ای از عقاید ساراسن‌ها است. (یکی از کارهای مهم درباره تاریخ دیوکونی (Cluny) که حاوی مأخذ و اسناد مختلف است، کتاب زیر است:

Bibliotheca Cluniacensis, ed. M.

Marriner and A. Duchesne (Paris 1614, reprinted Macon, 1915)

متن این نامه در کتاب فوق صفحات A ۸۲۸ - ۸۴۷D آمده و متن خلاصه‌ای از عقاید ساراسن‌ها، در ۸۴۳E - ۸۴۷B آمده است. این نامه در نسخه ۳۸۱ کتابخانه Douai Bibliothecae که قدیمی‌ترین و موثق‌ترین نسخه نامه‌های پیتر است، نیامده است. ۴- روایتی از آغاز رساله خلاصه‌ای از عقاید ساراسن‌ها که با تفاوت‌هایی در عبارات در دو نسخه متاخر مجموعه طلیطله موجود است.

George Tartar, Dialogue Islamo - chretien Sous Le Calife al-Mamun (813-834), Paris, 1985

۲۱- برای بحثی از این کتاب و اهمیت آن: ر. ک: عبدالمجید الشرفی، الفکر الاسلامی فی الرد علی النصارى حتى القرن الرابع الهجرى، تونس ۱۹۸۶، ص ۱۲۳ - ۱۲۸

22- See. H. P. Smith, "Moslem and Christian Polemic", Journal of Biblical Literature, XLV (1926), pp. 243-45, E. Fritsch, Islam und Christentum im Mittelalter (Breslau, 1930), P Kraus, Beitrage Zur Islamischen Ketzergeschichte", Rivista degli Studi Orientali, XIV (1933 - 34). PP. 335-41.

23. Summa totius haeresis Saracenorum

24. P. E. Mandonnet, "Pierre Le Venerable et Son Activite Contra L'Islam, Revue Thomiste, i (1893), PP. 331 - 32.

25. U. Monneret de Villard, Xiiie nel ziii secolo (Studie Testi 110), pp. 9- 11

26. See. Catalogue general des manuscrits des bibliotheques publiques des departements VI: Douai (Paris, 1878), PP. 214-15

27. James Kritzeck, Peter the Venerable and Islam, pp.550-291 (Latin text)

۲۸- اطلاعات آمده در این قسمت برگرفته از مقاله زیر است: Hartmut Bobzin, "A treasury of Heresies, Christian Polemics against the Koran," in Stefan Wild, ed., The Quran as Text, (E. J. Brill, 1996), PP. 157-175.

۲۹- برای چاپ‌های مختلف و ترجمه‌های این کتاب ر. ک:

C. F. de Schnurrer, Bibliotheca Arabica, Halae ad salam 1811 (repr. Amsterdam 1968), pp. 432-5. Cf. also M. Bastiaensen, Adrien Reland et la Justification des etudes Orientales (1701), in: Etudes sur le XVIIe siecle 1 (1974), pp. 13-27, esp. pp. 22ff.

ریلند در ارزیابی خود از وضعیت نگاه‌ها به اسلام گفته است:

spirit from him) and his world sent unto Mary,
(Cribratio, 112)

بر اساس دخل و تصرف در آیه و ترجمه آن، کوزایی این را شاهی بر
الوهیت عیسی به اعتراف قرآن دانسته است. لازم به ذکر است که متن
لاتینی نقد قرآن به آلمانی ترجمه شده است. رک:

Nikolaus Von Cues, Sichtung des AlKorans, tr. by
paul Naumann, 2 Vols., Leipzig, 1943.

36-Dionysius Carthusianus Contra

اثر وی با مشخصات زیر است:

Contra Alchoranum and Sectam Machometicam

Libri quinque, Coloniae, 1533

برای تحلیلی کوتاه از این کتاب ر. ک:

Hagemann, Op. cit, PP. 50-54; Bobzin, Der Koran,
PP. 70-76.

37- Juan of Torquemada.

کتاب وی (Contra Principales errores Perfidi Machometi)

در رم ۱۵۶۵ نگاشته شده و برای اولین بار در بورسلا (Brussels) بین
۱۴۷۶ تا ۱۴۸۰ به چاپ رسیده است. تا به حال مطالعه‌ای درباره این کتاب
انجام نشده است.

38- Juan Luis Vives

وی آثار چندی درباره خطر ترکان عثمانی نگاشته است. از میان آنها
می‌توانیم به

De Europae Statu ac tumultibus (1522); De
Europae dissidiis, and bello Turcico dialogus
(1526), De Conditione Vitae christianorum sub
Turca (1526)

اشاره کرد. مهمترین کتاب وی اثر زیر است:

De Veritate fidei christianae Libri V (13asle,
1543)

فصل چهارم این کتاب درباره اسلام با عنوان

Sectam Mahometi است. درباره این عالم مسیحی ر. ک:

C. G. Norena, Juan Luis Vives, The Hague, 1970.

درباره رویکردهای ویوز در باب اسلام ر. ک:

Paul Graf, Ludwig Vives as Apologet, Diss. theol.
Freiburg/ Br. 1932, PP. 88-102.

۳۹ - درباره دیدگاه‌های مارتین لوتر (Martin Luther) درباره

ترکان و اسلام ر. ک:

H. Bobzin, Martin Luthers Beitrag zur Kenntnis
und Kritik des Islam, in: Neue Zeitschrift fur
systematische Theologie und Religion swissen
schaft, 27 (1985), PP. 262-289; idem, Der Koran,

Chapter of le puy, Unnumbered, 55v,
Ms 2261 of the Bibliotheque municipale
de Troyes, 27V - 28r).

۵ - مقدمه‌ای بر رساله پیتیر جلیل با عنوان

Liber Contra Sectum Sive haeresim Saracenorum

که در نسخه ۳۸۱ Bibliotheque of Douai، برگ‌های ۱۸۱r-

۱۷۸V آمده است.

31- Joseph Scaliger

32- Thomas Erpenius

33- H. Bobzin, A Treasury of Heresies, P. 158,
note 10

34- E. A. Rezvan, The Quran and its World:
Contra Legem Saracenorum: The Quran in
western Europe, Manuscripta Orientalia, Vol. 4VIII/1.
No. 4 (1998), PP. 42-43

35- Nicholas of Cusa

مهمترین کتابی که وی در این باره نگاشته نقد قرآن
Cribratio Alcorani) است. برای مطالعه درباره این کتاب ر. ک:

L. Hagemann, Der Kuran in Verstandnis und
Kritik bei Nikolous Von Kues, Frankfurt and Main
1976; H. Bobzin, Der Koran, P. 24-32; Nicholas
Rescher, Nicholas of Cusa on the Quran, The
Muslim World, July 1965, PP. 195-202.

مقاله فوق با وجود کوتاهی، اثر جالبی درباره کوزایی است. نویسنده
مواجهه عالمان مسیحی با قرآن را به سه دوره تقسیم کرده است. دوره
سوم (۱۴۰۰-۱۵۰۰)، برهه‌ای است که با فعالیت‌های عثمانی و تهدید اروپا
از سوی ترکان همراه بوده است. سقوط قسطنطنیه در ۸۷۳ ق / ۱۴۵۳ م.

مجادله‌نویسی بر ضد اسلام توسط متکلمان مسیحی را تشدید نمود.
رساله کوزایی در باب قرآن، بخشی از توجه مجدد اروپائیان به اسلام بود.
این سؤال را می‌توان مطرح کرد که کوزایی از چه منابعی اطلاعات خود
را درباره اسلام اخذ کرده است؟ پاسخ به این سؤال را می‌توان به دلیل
برجامانند کتابخانه کوزایی و ارجاعات وی در نقل مطالب داد. درباره
قرآن وی از ترجمه رابرت کتونی بهره برده است. مهمترین مأخذ کوزایی
درباره قرآن، کتاب دومینیکن فلورانس، ریکالدو دومنته کروچه (چاپ
وینز، ۱۶۰۹) با نام بر ضد مذهب ساراسن‌ها است. دسچر نمونه‌ای از موارد
نقل‌قول کوزایی از قرآن را که درباره الوهیت عیسی است نقل کرده
است. بحث بر سر آیه‌های ۱۶۷-۱۷۰ سوره نساء است. برگردان انگلیسی
ترجمه کوزایی چنین است:

Jesus son of Mary is God's Messenger (Sic,
there is no only) and his spirit (Sic, and not a

47- Reuchlin und die Juden, ed. by A. Herzig and J. H. Schoeps, Sigmaringen 1993; See also H. M. Kirn. Das Bild Vom Juden im Deutschland des fruhen 16. Jahrhunderts dargestellt an den schriften Johannes Pefefferkorns, Tubingen, 1989, esp. ch. 4.3.

48- H. R. Guggisberg, Das reformierte Basel als geistiger Brennpunkt Europas, in: Ecclesia semper reformanda. Vortrage zum Basler Reformations jubilaum 1529-1979, Basle 1980, PP. 50-75.

۵۰ - مطالعه‌ای جامع از احوال و آثار وی، اثر زیر است:

K. H. Burmeister, Sebastian Munster. Versuch eines biographischen Gesamtbildes, Basle and Stuttgart 1969², see also G. E. Weil, Eli e Levite, humaniste et massorete (1469-1549), Leiden 1963, esp. PP. 221 ff; Bobzin, Der Koran, P. 166, note 59.

۵۱ - در مورد وی ر. ک:

G. Kisch, Bonifacius Amerbach (Gedenkrede), Basle 1962.

52- H. Bobzin, A Treasury of Heresies, P. 164, note. 33

۵۳ - در مورد نامه لوتر در توجیه چاپ مجموعه طلیطله به شورای شهر بازل ر. ک:

Karl Rudolf Hagenbach, Luther und der Koran Vor dem Rate zu Basel, Beitrage zur raterlandischen Geschichte, hrsg, Von der historischen Gesellschaft in Basel, IX (1870), PP. 291-326.

متن نامه در ص ۲۹۸-۳۰۱ نقل شده است.

۵۴ - به تاریخ ۲۷ اکتبر ۱۵۴۲

55- see H. Bobzin, zu Anzahl der Drucke Von Biblianders Koran ausgabe im Jahr 1543, in: Basler Zeitschrift f. Geschichte u. AltertumsK Unde 85 (1985), PP. 213-219.

این نامه را گوستاو کاورو کشف کرده است. ر. ک:

Gustav Kawerau, Luthers Vorrede zu Biblianders Ausgabe des Koran, in Theol. Studien und Kritiken 86 (1913), PP. 129-134

متن نامه در Weimar edition, جلد ۵۳ ص ۵۶۹ به بعد نیز چاپ شده است. (همچنین ر. ک: پی نوشت ۵۳ قبل).

56- Ricoldo du Monte Croce

۵۷ - برای شرح حال کامل وی ر. ک:

ch. 2 (Murtin Luther und der Koran).

40- Hugo Grotius

وی مدافعه‌ای از عقاید مسیحیت به نام

De Veritate religionis christianae (1627)

دارد که بخش ششم کتاب وی نصیحت‌هایی به پیروان محمد (ص) است Adversus Muhammed anooos ادوارد پوکوک (Edward Pocock) ۱۶۰۴-۱۶۹۱) این کتاب را به عربی ترجمه کرده است (آکسفورد، ۱۶۶۰).

41- Alcorani textus universus...ac...ex Arabico idiomate in Latinum translatus; appositis unicuique capiti notis atque refutatione, padova 1698.

برای مطالعه درباره این کتاب ماراتچی ر. ک:

G. Levi della Vida, An eddoti e Svaghi arabi e non arabi, Milano e Napoli 1959, PP. 193-210

در مورد شرح حال و کار ماراتچی ر. ک:

Hartmut Bobzin, Latin Translation, PP. 198-200; Denison Ross, Ludovico Marracci, BSOAS, 2 (1921-23), PP. 117-123.

راس در بررسی خود، به این نتیجه رسیده که کتاب ماراتچی منبع اصلی جورج سیل، مترجم قرآن به انگلیسی در مراجعه به تفاسیر مسلمان بوده و ادعایی که سیل در آغاز ترجمه خود کرده که متون اسلامی در اختیار داشته، نادرست است؛

Duncan Brockway, The Second Edition of Volume I of Marracci Alcorani Textus Univer sus, The Muslim World, 64 (1974), PP. 141-144.

42- S. Neill, A bistory of Christianity in India, The Beginnings to AD 1707, Cambridge, 1984, P. 173, Withn. 33

43- Bobzin, Der Koran, ch. 3.

44- Ad nominis christiani socios Consultatio, qua nam ratione Turcarum dira Potentia repelli possit ac debeat a populo christino, Basle 1542; cf. R. pfister, Das Turkenbuechlein Theodor Biblianders, in Theologische Zeitschrift, 9(1853), PP. 454-458.

45- M. Steinmann, Johannes Oporinus. Ein Basler Buchdrucker um die Mitte des 16. Jahrhunderts, Basle and Stuttgart 1967.

46- cf. H. Bobzin, ber Theodor Biblianders Arbeit am Koran (1542/43), in ZDMG 136 (1986), PP. 341-363; idem, Der Koran, ch. 3.5.4.1 (for the Latin text) and ch. 3.5.4.2 (for the Arabic text).

ر. ک:

J. M. Gaudeul and Robert Caspar, "Textes De La Tradition Musulmane Concernant Le Tahrif (Falsification) Des Ecritures," *Islamochristiana*, 6(1980). PP. 61-104.

۶۷ - مقصود نقد تثلیث و عدم اعتقاد به الوهیت عیسی(ع) و عدم مصلوب شدن ایشان است.

68- Cribratio Alcorani

۶۹ - به عنوان مثال می‌توان به نوشته‌ای از متکلم مسیحی به نام توماس توسکانی (متوفی ۱۲۷۸ م: Thomas of Tuscan) یا عنوان *Gesta imperatorum et Pontificium* است ر. ک:

Nicholas Rescher, Op. cit, P. 196

۷۰ - با عنوان *Verlegung des Alkorans* است. برای اطلاعات بیشتر ر. ک:

Bobzin, *Luthers Beitrag*, PP. 279 ff; idem, *Der Koran*, ch. 2.3.2.3.

71- H. Bobzin, *A Treasury of Heresies*, op. cit, P. 167, note 47; see also idem, *Luthers Beitr*, PP. 283 ff.

۷۲ - این مطلب موضوع سخنرانی آقای هارتموت بوتسین با عنوان *Zur Instrumentalisierung des Islam in Kirchlicher Polemik* (16-17. Jh.)

است که در سمینار مسیحیت و اسلام (کراکو Cracow ۱۲ تا ۱۳ آوریل ۱۹۹۴) برگزار نشده، قرائت شده است.

۷۳ - برای مجموعه‌ای از این خطابه‌ها ر. ک:

H. Bobzin, *A treashurg of Heresy*, P. 168, note 49.

۷۴ - در مورد پوستل ر. ک:

F. Secret, *Guillaume Postel et les etudes arabes ala renaissance*, *Arabica* 9(1962), PP. 21-36; W. J.

Bouwsma, *Concordia Mundi: The Career and Thought of Guillaume Postel (1510-1581)*,

Cambridge / Mass / 1957; M. L. Kuntz, *Guillaume Postel, Prophet of the Restitution of All Things.*

His life and Thought, The Hague / 13 oston 1981

73- *Grammatica arabica*

۷۶ - برای معرفی دیگری از کتاب هارتموت بوتسین ر. ک: مرتضی

کریمی‌نیا، قرآن در عصر اصلاح‌طلبی و نواندیشی، مروری بر کتاب هارتموت بوتسین، مجله ترجمان وحی، سال ششم، شماره اول، ص ۷۴-

۸۳

J. M. Merigoux, un Precurseur du Dialogue Islamochretien, frere Ricoldo (1243-1320), in : *Revue thomiste* 73 (1973), PP, 609-621.

با ارجاع به مآخذ دیگر:

58- *Liber Peregrinationis*, ed. by. J. C. M. Laurent, *Peregrinatores Medii Aevi Quatuor*, Lipsiae 1873, PP. 105-41 Cf. also U. Monneret de Villard, *Il*

Libro della Peregrinazione nelli Parte d'Oriente di Frate ricoldo da Montecroce, Rome, 1948.

59- *Contra Legem Saracenorum*

متن لاتین این کتاب به تازگی منتشر شده است. ر. ک:

H. Bobzin, *Latin Translation*, P. 203, note 49.

60- J. M. Merigoux, *L'ouvrage d'un frere Prechcur Florentin en Orient a la fin du XIIIe Siecle. le*

"Contra Legem Saracenorum" de Ricoldo da Monte di Croce, in: *Memorie Domenicane*. N. S. 17 (1986), PP. 1-143, esp 43 ff; Bobzin, *Derkoran*,

ch. 2.2.1; idem, *Latin translation*, P. 203.

61- Cf. G. Kizzarda, *Il "Contra Legem Saracenrum"* di Ricoldo da Montecroce. *Dipendenza ed*

Originalita nei Confronti di San tommas, in:

Teologia (Milano), 9 (1984), PP. 59-68.

۶۳ - بخشی از دومین ترجمه لاتین قرآن توسط مارک طلیطله‌ای *alpholica* (Mark of Toledo) رساله‌ای جدلی با نام *Contrarietas*

است که در آن تلاش در شرح تناقضات قرآن به گمان خود دارد. از این رو منقولات فراوانی از قرآن نقل کرده است. ر. ک:

M - Th. d'Alverny and G. Vajda, *Marc de Toledé, traducteur d'Ibn Tumart, al-Andalus* 16(1951), PP. P.31f 99-140, esp. PP. 124-132, Merigoux, *L'ouvrage*,

۶۴ - در این باره فی‌المثل ر. ک:

Ana Echevarria, *The Fortress of Faith the Attitude towards Muslims in Fifteenth Century*

Spain, E. J. Brill, 1999, PP. 220 ff.

۶۵ - مفسران مسلمان در تفسیر برخی از آیات نظری خلاف بر این گفته ریکالدو دارند.

۶۶ - در مورد تحریف عهدین از دیدگاه عالمان مسلمان ر. ک:

I. di Matteo, "Il tahrif od alterazione della Bibbia secondo i musulmani," *Bessarione*, Rome, 38(1922), PP. 64-111, 223-260; 39(1923), PP.

77-127.

روبرت کاسپار و گودل، نظرات برخی از عالمان مسلمان در این باب را جمع و در مقاله‌ای، متن عربی و ترجمه فرانسوی آنها را منتشر کرده‌اند.